



انترناسیونال

۲۷۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۶ دی ۱۳۸۷، ۲۶ دسامبر ۲۰۰۸

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

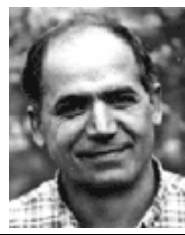
سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

در مورد تشکیل "اتحادیه علمای مذهبی" توسط حزب دمکرات کردستان ایران

در حاشیه دو اعتراض شورانگیز کارگری



خطاب به همه مردم آزادیخواه و جریانات اپوزیسیون مترقی به اعضا و کادرهای حزب دمکرات کردستان ایران حزب دمکرات کردستان ایران تصمیم به ایجاد "اتحادیه ملاحای کردستان" گرفته است. دبیر کل این حزب این اقدام را در جهت "توده ای کردن مبارزه" و از نتایج کنگره چهاردهم این حزب اعلام کرده است. سیاستهای حزب دمکرات در تمام طول حیات خود با مذهب عجین بوده است، هرچند ریاکارانه وانمود کرده است که یک حزب سکولار است. اما اکنون پا را از قرآن خوانی



اعتراض کارگران لاستیک گلد استون اردبیل و کارگران صنایع فلزی تهران دو اعتراض مهم و شورانگیز این هفته بود.

لااقل در سالهای اخیر اولین بار است که کارگران یک کارخانه کارفرمای حقه باز را گروگان میگیرند و خواهان محاکمه او در صحن کارخانه و در حضور کارگران میشوند. نکته جالب دیگر حمایت فعال مردم محل از کارگران است. مردم محل کارگران صنایع فلزی را کمک کردند تا کارفرما را دستگیر کنند و به کارخانه ببرند. این نشانه بالائی از ارتقای روحیه همبستگی و مبارزاتی مردم و درد مشترک آنها و فهمیدن همدیگر و خطر کردن برای همدیگر است. روحیه کارگران در این اعتراض بسیار جالب بود. سه روز مبارزه مصمم و شجاعانه و لحظه به لحظه از کتک زدن پاسدار و پیدا کردن محل مدیران و تجمع کردن و گروگان گرفتن رئیس کارخانه و خواست محاکمه او در صحن کارخانه تصویری از مبارزه ای است که ترس بر اندام نیروهای سرکوب حکومت می اندازد و آنها را از هر نوع مقابله سرکوبگرانه برحذر میدارد. یادمان باشد که در همین هفته های اخیر بود که رژیم نیروهای ناجا و پشت بندش بسیج را به خیابانها کشاند تا آماده مقابله با "ناآرامیهای اجتماعی" شود. و این صرفا یک مبارزه خودجوش ناشی از عصبانیت لحظه ای نبود. درجه بالائی از سازمان یافتگی داشت و پلاکاردهای بزرگ و متعدد هم اینرا نشان میداد. دو هفته

محمد آسنگران

صفحه ۲

اصغر کریمی



کارگران صنایع فلزی کارفرما را گروگان گرفتند و خواهان محاکمه او در کارخانه شدند

صفحه ۴

قبل نیز تعدادی از رانندگان شرکت واحد و رانندگان کامیونتهائی که شاهد تجمع همین کارگران بودند در حمایت از آنها راه بلدان ایجاد کردند. اعتراض دیگر مربوط به کارگران لاستیک اردبیل است که آنهم در همین هفته اتفاق افتاد. در تجمع کارگران لاستیک سازی درمقابل استانداری، کارگران سیمان و شهرداری شرکت میکنند و مردم محل نیز به آنها میپیوندند و تجمع ۳۰۰۰ نفره ای که شکل میگیرد چنان ترسی به جان ارگانهای حکومت و کارفرما می اندازد که فوراً کوتاه میایند و همه ۱۹۴ کارگر اخراجی را فوراً به سر کار برمیگردانند تا کارگران وارد شهر نشوند. کافی بود که ۳۰۰۰ کارگر معترض روانه شهر شوند تا هزاران جوان و انسان کارد به استخوان رسیده نیز به صف آنها ملحق شوند. اینها صحنه های پرشوری هستند که منبهد در ابعادی گسترده تر به وقوع خواهند پیوست و چشم انداز تازه ای را ترسیم میکنند. درمورد کارگران لاستیک سازی باید این نکته را هم اضافه کرد که یک روز

در مورد خطر تحویل اعضای سازمان مجاهدین به جمهوری اسلامی

صفحه ۴

مصاحبه با عبدالله اسدی

در باره راهپیمایی با شکوه ۱۱ دسامبر در دفاع از حق پناهندگی و اوضاع پناهندگی



انترناسیونال: روز ۱۱ دسامبر در شهر استکهلم تظاهرات با شکوهی توسط فدراسیون سراسری پناهندگان ایرنی و انجمن افغانها در سوئد برگزار شد که موضوع آن دفاع از حق پناهندگی بطور کلی و بویژه دفاع از حق پناهندگی پناهجویان ایرانی، افغانی و عراقی بود که در خطر اخراج قرار دارند، این برای چندمین بار است که فدراسیون سازمانده یک حرکت اجتماعی بزرگ

صفحه ۳

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

در مورد تشکیل ...

در رادیو و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از جریان‌های اسلامی فراتر نهداد و تصمیم به متشکل کردن جریان‌های اسلامی گرفته است. این اقدام حزب دمکرات یک سیاست تماماً ارتجاعی و همونائی آشکار با رژیم اسلامی و علیه سکولاریسم و ترقی خواهی است، ضد تمدن و علیه آزادیخواهی است و باید با جواب دندان شکن مردم آزادیخواه و همه جریان‌های مترقی پاسخ گیرد.

حزب دمکرات با سیاست متشکل کردن آخوندهای کرد و تقویت سنی گری در مقابل شیعه گری وارد فاز زمینه سازی جنگ فرقه های مذهبی شده است. سیاستی که هم اکنون در جامعه عراق هزاران قربانی داشته است و به این زودی پایانی برای آن قابل تصور نیست. متشکل کردن ملاحا و جریان‌های اسلامی در کردستان اعلام جنگ به هر نوع ترقی خواهی، آزادی و سکولاریسم و اعلام جنگ آشکار علیه مبارزه مردم برای خلاصی از حکومت مذهبی و پایان دادن به تعرض مذهب به زندگی مردم است. حزب دمکرات با این سیاست ارتجاعی خود، آشکارا در مقابل خواست به حق مردم برای جدائی مذهب از دولت قرار گرفته و در کنار مدافعین قوانین مذهبی، کمر به تحکیم این قوانین و تحمیل آن به جامعه بسته است.

این سیاست حزب دمکرات یک شیفت دیگر به سمت ارتجاعی ترین

قشر جامعه و آخوندهای کردستان است که در ۳۰ سال گذشته به انحاء مختلف تلاش کرده اند قوانین اسلامی را مشروع جلوه دهند. جریان‌هایی که امروز مورد لطف حزب دمکرات قرار گرفته اند، ۳۰ سال قبل با تلاش مفتی زاده و مکتب قرآنی ها و در هماهنگی با رهبران جمهوری اسلامی سعی کردند جامعه کردستان را اسلامی کنند و سدی در مقابل مدرنیسم و آزادیخواهی مردم و کمونیسم ایجاد کنند اما مفتضحانه شکست خوردند و جز رسوائی چیزی نصیبشان نشد. امروز جامعه ایران و کردستان صدمبار سکولارتر، ضد مذهب تر، آگاه تر و رادیکال تر از ۳۰ سال قبل است و ما به رهبری حزب دمکرات اطمینان میدهم که این سیاست به بی آبرویی کامل این حزب منجر میشود و چیزی جز سرافرنجی نصیبش نخواهد شد.

توسل به ارتجاع مذهبی و تشکیل "اتحادیه علمای دینی" نتیجه شکست سیاستهای تاکنونی حزب دمکرات است. حزب دمکرات در کنگره ۱۳ خود پرچم "فدرالیسم قومی برای کردستان و ایران" را بلند کرد. این عقیده نتیجه قدرت گیری جریان‌های ناسیونالیستی در کردستان عراق بود و شیفت امروز این حزب به متشکل کردن مرتجع ترین و مفتخورتین بخش جامعه و تبدیل شدن به یک حزب قومی - مذهبی که حاصل تصمیم کنگره ۱۴ این حزب

است، نتیجه شکست سیاستهای آمریکا در عراق و بی افقی ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق است. سیاست های دو کنگره اخیر این حزب، به هرکس که از گذشته این حزب هم چیزی نداند، به حد کافی ماهیت عقب مانده و ضد مردمی آنرا نشان میدهد.

در سال ۵۸ حزب دمکرات از یک طرف و ملاحسنی جنایکار از طرف دیگر با سیاست ارتجاعی، قومی مذهبی مردم کرد زبان و ترک زبان را در نقده به جان هم انداختند و فجایعی فراموش نشدنی خلق کردند که کشتار مردم نرده، ایندرفاقش و قلاتان را به دنبال داشت. شبیه آن سیاست امروز در کردستان عراق توسط باندهای مختلف ناسیونالیست و مذهبی از مردم قربانی میگردد و به جنایتهای بیشماری منجر شده است. سیاست جدید حزب دمکرات ادامه و در راستای این سیاست های ارتجاعی است و باید در نطفه خفه شود. این حزب اکنون ناتوان از مقابله با رشد جنبش آزادیخواهی و سکولاریستی و سوسیالیستی است. در مخالفت و مقابله با نقش طبقه کارگر، کمونیستها و برابری طلبی و برای مقابله با مبارزه سرنگونی طلبانه مردم، حزب دمکرات به ملاحهای مرتجع و جریان‌های از نوع مفتی زاده و شیوخ مرتجع منطقه متوسل شده است.

در این رابطه جا دارد از آن بخش از اعضا و کادرهای این حزب که خود را سکولار و غیر مذهبی

میدانند، بپرسم که آیا حاضرند زیر چتر این ارتجاع مذهبی و نیروی تقویت کننده جریان‌های اسلامی در کردستان باشند. آیا حاضرند شاهد تدارک جنگهای مذهبی - قومی از جانب این حزب باشند و سکوت اختیار کنند؟ آیا حاضرند شریک این سیاست ضد مردمی رهبری حزب دمکرات باشند؟ و یا در مقابل این سیاست ارتجاعی که به منظور مقابله با سکولاریسم و ترقی خواهی و به منظور بند و بستهای آتی با جمهوری اسلامی صورت میگردد، خواهند ایستاد و خود را شریک رسوائی تازه رهبری این حزب نخواهند کرد؟

مردم آزادیخواه کردستان، کارگران، زنان، جوانان انقلابی!

حزب دمکرات با بلند کردن این پرچم عقب مانده و تماماً ارتجاعی، تصمیم گرفته است در مقابل شور آزادیخواهی شما، در مقابل جنبش سرنگونی طلبی شما و خواست بحق همه مردم برای پایان دادن به هرنوع حکومت مذهبی و حاکمیت قوانین مذهبی، ملاحهای مرتجع اسلامی را علم کند و بدین طریق مانعی در مقابل شما برای سرنگونی این حکومت مذهبی مدافع سرمایه ایجاد کند. این سیاست در تاریخ معاصر کردستان امتحان پس داده و شکست خورده است. مفتی زاده و مکتب قرآنیها، همراه با شیوخ و ملاحهای مرتجع منطقه بعد از انقلاب سال ۵۷ با همین پرچم به جنگ کمونیستها و آزادیخواهی آمدند و شکست خوردند.

باید یک بار دیگر این سیاست که اکنون حزب دمکرات پرچم دار آن شده است را قاطعانه محکوم کرد و شکست داد. همچنانکه ۳۰ سال قبل جریان مفتی زاده و شیوخ نقشبندی را شکست دادید و به گورستان تاریخ فرستادید. اینبار هم باید این سیاست ارتجاعی را که میخواهد کردستان را به میدان جنگهای قومی - مذهبی تبدیل کند به شکست بکشانید. جامعه کردستان جامعه ای ملدن و مترقی است. هیچ جریان عقب مانده و ضد آزادی نباید امکان پیدا کند که با احیا کردن ارتجاع اسلامی جامعه را به میدان تاخت و تاز دستجات مذهبی تبدیل کند.

جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی و در راس آن حزب کمونیست کارگری در کردستان با تمام قدرت در مقابل این ارتجاع و عقب ماندگی ایستاده است و به هیچ جریانی اجازه نمیدهد مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم را با تقویت ارتجاع مذهبی خدشه دار کند. ما همه مردم آزادیخواه در کردستان و در سراسر ایران و همه سازمانها و جریان‌های چپ، مترقی و سکولار را فرامیخوانیم در مقابل این سیاست ضد جامعه و قومی - اسلامی حزب دمکرات قاطعانه بایستند و این سیاست را در نطفه خفه کنند.

دسامبر ۲۰۰۸

از صفحه ۱ در حاشیه دو اعتراض ...

قبل از پایان مهلت التیماتوم، ۲۰۰ نفر از آنها جمع شدند تا تدارک اعتراض خود درست در روز بعد از پایان مهلتی که به کارفرما داده اند را ببینند و تجمع خود را با آمادگی برپا کنند. این جزئی از فاکتور سازمان و رهبری آگاه و با نقشه است که روز بروز با برجستگی بیشتری خود را در مبارزات کارگران نشان میدهد.

مطابق گزارشی که به ما رسیده است، تعدادی از کارگران گلد استون نوار ضبط شده مصاحبه سهیلا شریفی با شهلا دانشفر در کانال جدید در مورد مبارزه دو هفته قبل خود را به کارخانه میبرند و در مورد آن بحث میکنند و همزمان کارگران کارخانه

است که چنین مبارزات شورانگیزی رخ میدهد. این جوهر روندهای سیاسی مبارزاتی این دوره جامعه ایران است که نوید بخش صحنه هائی بسیار باشکوه تر، قدرتمندتر و اجتماعی تر برای بزیر کشیدن رژیم بحران زده جمهوری اسلامی و شکل دادن به آینده ای درخشان و انسانی است.

روند گره خوردن مبارزات کارگران و سایر مردم حق طلب با حزب کمونیست کارگری و کانال جدید باید با سرعت بیشتر گسترش یابد. حزب کمونیست کارگری تمام تلاش خود را برای تحقق این هدف بکار میگیرد و رهبران و فعالین کارگری در سراسر کشور را فرامیخواند این روند را تحکیم کنند و گسترش دهند. پیشروی هرچه

سوسیالیسم
پا خیز!
برای
رفع تبعیض

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!

مساله گره خورده است. این نیاز سیاسی مبرم جامعه ایران است. *

بیشتر جنبش کارگری و کل جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه مردم به این

از صفحه ۱ مصاحبه با عبدالله اسدی

در دفاع از يك حق بنيادي انساني است، اين حرکت موفقیت آميز را چگونه تدارک ديديد؟

عبدالله اسدی: تظاهرات ۱۱ دسامبر يك شبه صورت نگرفت، اين تظاهرات محصول يك کمپين دو ماهه و فعاليت مستمر و يك دوره تعيين شده در جامعه سوئد بود؛ محصول فعاليت آگاه گرانه يك دوره در ميان پناهجویان بود؛ محصول برگزاری جلسات هفتگی با شهرهای مختلف سوئد بود.

در طول اين دو ماه پخش هزاران اطلاعیه را در مورد سياست بغايت غير انساني دولت سوئد در برخورد به پناهجویان از کشورهای افغانستان، ايران و عراق سازماندهی و ممکن ساختيم. در جلسات و گردهماییهای ايرانيان به مناسبتهای مختلف شرکت و در مورد شرايط فلاکتناپذير پناهجویان در سوئد با آنان صحبت کردیم و از آنها درخواست حمايت و شرکت در تظاهرات ۱۱ دسامبر نمودیم. به علاوه از مردم درخواست کمک مالی کردیم و در مجموع توجه جامعه سوئد را به شرايط موجود در مورد پناهجویان جلب کردیم.

در رادیوهای محلی و فارسی زبان با مسئولین فدراسيون و انجمن افغانها در سوئد چندین میزگرد و گفت و گوی رادیویی تشکیل دادیم و در مورد شرايط سخت پناهندهگی و ضرورت يك مبارزه متحدانه با مردم صحبت کردیم. به علاوه در طول پیشبرد اين کمپين دهها سازمان و احزاب دولتی و غير دولتی و نهادهای دفاع از حقوق پناهندهگی را مطلع و توجه آنها را به دفاع از حقوق پناهندهگی جلب نمودیم.

میخواهم بگویم برای برگزاری اين تظاهرات فعاليتهاي زيادی صورت گرفت و برای پیشبرد آن، بر ضرورت اين نوع از مبارزه و تاثيرات مثبت آن بر تصميمات دولتها تأکيد گذاشتيم. گفتيم تيب کاری که ما انجام می دهيم می تواند سکوت جامعه را بشکند و روحیه ها را بالا ببرد. گفتيم ميتواند توجه جامعه را جلب کند و راه را برای مبارزه هرچه گسترده تر هموار سازد. گفتيم ما تاثيرات مبارزه متشکل را سه سال پیش در همین سوئد تجربه کردیم و باید برای تکرار اين تجربه، قدمهای عملیتری به جلو برداریم و در جهتی

که فدراسيون سراسری پناهندگان ايرانی بر آن تأکيد میکنند حرکت کنیم تا از آن نتیجه مثبت بگیريم.

اينها سرتير فعاليتهاي ما به همراه انجمن افغانها در سوئد برای برگزاری تظاهرات ۱۱ دسامبر بود.



نمایندهگانی از حزب سوسیال دمکرات سوئد، حزب محیط زیست و حزب چپ این کشور، آنتیا دوراسیو چهره محبوب دفاع از حقوق پناهندهگی در سوئد، فریده زیرک و رضا جاوید از انجمن افغانها در سوئد، حسن صالحی مسئول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و خود من از سخنرانان این تظاهرات بودیم.

انترناسیونال: در حال حاضر حق پناهندهگی در همه جای دنیا مورد تعرض قرار گرفته است و با توجه به بحران اقتصادی موجود، دولتهای سرمایه داری دارند جنگ و دندان بیشتری به پناهندگان نشان می دهند، در همان کشور سوئد اعلام شده است که در سال ۲۰۰۹ پلیس با تمام قوا تلاش خواهد کرد که احکام اخراج پناهندگان را به مورد اجرا بگذارد، چگونه می توان با این موج برخورد کرد و فدراسيون چه برنامه هایی را در دستور خود دارد؟

عبدالله اسدی: ببینید، تصمیم دولت سوئد به اخراج پناهجویان در سال جدید به خودی خود و به تنهایی صورت نگرفته است. این تصمیمات، تصمیمات اتحادیه اروپاست که در ماه ژوئن سال جاری اتخاذ گردید و قرار است بر اساس آن ۸ میلیون مهاجر غیرقانونی را از این اتحادیه بیرون کنند. دولت سوئد نیز دستور خود را از اتحادیه اروپا گرفته است. در آییننامه ای که اتحادیه اروپا تصویب کرده، آمده است که

پناهجویان و مهاجرینی که از این دستور سر باز بزنند از ۶ تا ۱۸ ماه زندانی خواهند شد.

تا آنجاییکه به بحران جهانی و شرايط اقتصادی امروز دنیا و تاثيراتش بر زندگی پناهجویان بر میگردد، بلی این وضعیت بر روند پناهنده پذیری هم تاثير مستقیم

گذاشته است و انگیزه عدم پذیرش پناهندگان و ضدیت با مهاجرین را در میان دول اروپایی تقویت کرده است. برای مثال دولت سوئد برای اخراج پناهجویان از این کشور در سال ۲۰۰۹ ۴۰۰ میلیون کرون اختصاص داده و اعلام داشته است اگر تا دیروز پناهجویان را تک تک و بطور فردی اخراج میکردند در سال جدید قرار است بطور دست جمعی و با هواپیمای ویژه بازگشت داده شوند.

متأسفانه وضعیت اقتصادی و بیکار سازیهای وسیع حتی بر رفتار بخشهای مختلفی از مردم عادی غرب نیز نسبت به پناهنده و مهاجر تاثيرات منفی گذاشته است. اينها واقعات امروز جامعه سرمایه داری و بی ارزشی انسان در مقابل سود غریبی است.

میخواهند جواب ناراضیتی مردم در اعتراض به بیکاری و بالا رفتن قیمت کالاها و مایحتاج عمومی را با اخراج پناهجویان و مهاجرین بدهند. میخواهند ناتوانی خود را در اداره جامعه به گردن پناهجویانی بیانمازند که به قیمت از دست دادن دار و ندارشان، خود را به اروپا رسانده اند تا از گزند جنگهای ویرانگر قبیله ای، ملی و مذهبی و سرکوب و اختناق سیاسی در حکومتهای دیکتاتوری خلاصی یابند.

اتحادیه اروپا خواسته است با تصویب قانون اخراج مهاجران، دلیلی برای روند افزایش مالیات بر

درآمد پیدا کند و از این نظر خودشان را از عجز و ناتوانی در پاسخ به بالا رفتن نرخ تورم و بالا رفتن قیمت اجناس رها سازند و آن را بحساب زندگی غیر قانونی ۸ تا ۱۰ میلیون مهاجرینی بنویسند که در اتحادیه اروپا به طور غیر قانونی زندگی میکنند. میخواهند بگویند اگر این همه مهاجر غیرقانونی در اروپا زندگی نمیکرد درجه بیکاری تا این حد بالا نمیرفت و مالیات بر درآمد به این میزان افزایش پیدا نیمکرد.

میخواهند با تصویب قانون اخراج مهاجران اعلام نمایند که دلیل دیگرشان برای اخراج آنها حفظ امنیت و دور کردن اتحادیه اروپا از گزند تروریسم است. اینها فشارهایی است که از سوی راستترین احزاب دولتی در این اتحادیه بر علیه پناهجویان اعمال میشود. دلیل دیگرشان به نظر من این است که به مردم بگویند که ما "میخواهیم بر اتحادیه اروپا کنترل امنیتی داشته باشیم و راه حل کاملش هم این است که کلیه افرادی که در این اتحادیه زندگی میکنند رسماً ثبت نام شوند".

انترناسیونال: نظرتان در مورد این ادعای بعضی از دول غرب که ناامنی و خطر تروریسم را به پناهجویان و مهاجرین ربط میدهند چیست؟

عبدالله اسدی: نه به نظر من ریشه ناامنی و تروریسم در میان شبکه ها و سازمانهایی است که در همین اتحادیه اروپا ثبت شده اند و از همین اتحادیه اروپا برای مقاصد تروریستیشان پولهای کلان میگیرند. و با آن مراکز آموزشی دایر میکنند. عامل ناامنی، پناهجویان بیکار و پرونده بسته نیستند همانهایی هستند که در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مساجد درست کرده اند، همانهایی هستند که کلاسهای قرآن و جهل و خرافه دایر کرده اند، همانهایی هستند که از عکس اسامه بن لادن تی-شرت درست میکنند. شبکه ها و سازمانهایی هستند که خود را تابع هیچکدام از استانداردهای غرب نمی دانند. امنیت اتحادیه اروپا را شبکه ها و طرفداران اسلام سیاسی به خطر انداخته اند نه مهاجرین غیر قانونی.

ترس امروز سران و شورای وزیران اتحادیه اروپا از خطر اسلام سیاسی مبنای برخورد دیروز خود دول غرب

به جنبش اسلام سیاسی در مقابل خطر کمونیسم بود. فهمیده اند که خود را با چه جنبش ارتجاعی ای درگیر کرده اند، فهمیده اند که در دوره معین جنبشی را تقویت کرده اند که رحم سرش نمی شود، امنیت و آسایش سرش نمی شود، با مدنیت و جامعه مدنی هیچ خوانایی ندارد، فهمیده اند که جنبش اسلام سیاسی پایه های فعالیتش را بر مبنای ترور و وحشت بنا نهاده است. متأسفانه همین امروز و در همین اتحادیه اروپا صدها هزار زن و کودک اسیر دست جنبش اسلام سیاسی اند و در حیطه قوانین اسلامی گرفتارند. مقامات اتحادیه اروپا نه تنها مانع نمی کنند بلکه کاملاً شرايط را تحت نام نسیت فرهنگی برای آنها مساعد کرده اند.

جنبش اسلام سیاسی در دسته جات و شبکه های مختلف در مناطق مختلف اروپا گروههای اسلامی تشکیل داده است. کودکان را شستشوی مغزی می دهند و به آنها میآموزند تا هر کس که مسلمان نیست کافر بنامند و خود را نیز عبد خدا قلمداد نمایند. اسلام و قوانین شرعی را به کودکان تعلیم اجباری میدهند، دختران را از ۹ سالگی شرعاً واحد شرايط ازدواج اعلام میکنند، به آنها حجاب اجباری تحمیل میکنند تا در همان کودکی حجاب بر سر کنند، نماز بخوانند، حرام و حلال را بشناسند و مدارس جداگانه داشته باشند. میگویند شما به عنوان يك زن باید پیروی کنید که در قوانین اسلامی زن و مرد دارای حقوق برابر نیستند و نباید باشند.

برای دولت سوئد و اتحادیه اروپا مهم نیست که شبکه های وابسته به جنبش اسلام سیاسی تابع قوانین و استانداردهای عمومی اتحادیه اروپا قرار نمی گیرند. دول غرب خود ایجاد محدودیت و تحمیل نابرابری نسبت به زنان را از سوی جنبش اسلامی تحت نام نسیت فرهنگی به رسمیت شناخته و به آنها امکان داده است تا از تلویزیون سراسری سوئد با زنان محجبه تحت نام حلال TV برنامه پخش کنند و برتری طلبی اسلامی را تبلیغ نمایند.

اگر واقعا مسئله سران اتحادیه اروپا حفظ امنیت است باید سراغ سازمانها و گروههای اسلامی رفت و فعالیتهای آموزشی و قوانین عقب مانده آنها را بر ضد زنان و کودکان

گزارش بهرام، خبرنگار کانال جدید از صنایع فلزی شماره دو در تهران

کارگران صنایع فلزی کارفرما را گروگان گرفتند و خواهان محاکمه او در کارخانه شدند

روز شنبه ۳۰ آذر کارگران صنایع فلزی شماره دو در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، در محل صنایع فلزی شماره یک که دفتر مدیریت در آنجا واقع شده است تجمع کردند. همه کارگران در این تجمع شرکت داشتند. یکی از مزدوران سپاه پاسداران به آنجا آمد و کارگران را تهدید کرد و درگیری شد و کارگران او را کتک زدند. کارگران همچنین یک کانکس را در صنایع فلزی شماره یک واژگون کردند. مدیریت کارگران را تهدید کرد و کارگران از کارخانه خارج شدند و قرار ادامه اعتراض را برای روز یکشنبه گذاشتند.

روز یکشنبه اول دیماه ۲۰۰ نفر از مجموع ۳۵۰ نفر کارگر صنایع فلزی شماره دو در مقابل برج نگین در مقابل پارک ساعی که متعلق به مدیریت این کارخانه است، تجمع کردند. کارگران موفق نشده بودند که سایر همکارانشان را برای این حرکت خبر کنند. در محل مردم و صاحبان مغازه های زیر برج نیز که صاحب قبلی آنان کارفرمای همین شرکت بوده و ظاهراً سر خریداران آن کلاه گذاشته و پول زیادی به جیب زده است، کارگران صنایع فلزی را مورد حمایت قرار دادند. از تجمع کارگران عکس می گرفتند و محل شلوغ شده بود. روبروی این محل بانک قرار داشت. پلیس از ترس حمله کارگران به بانک محل را گرفته بود. در همین موقع بیان الحق یکی از مدیران شرکت به کارگران گفته بود من میروم اداره کار شما نیز به آنجا

بیائید تا صحبت کنیم. کارگران به اداره کار رفتند اما متوجه شدند که بیان الحق دروغ گفته است. این موضوع کارگران را بیشتر عصبانی کرد. کارگران قرار ادامه حرکت را گذاشتند و به خانه های خود رفتند. روز دوشنبه ۲ دیماه تعدادی از کارگران در کارخانه طوماری امضا کردند مبنی بر اینکه باید متحد عمل کنند و بر خواسته هایشان تاکید کردند.

میدادند که چرا جمع شده اند و دستمزدهای تعویق افتاده خود را میخواهند. اعضای مدیریت نیز به مردم میگفتند به اینها نزدیک نشوید اینها اشرار هستند. مردم اما فعلاً به کارگران کمک کردند. کارگران تصادفاً ماشین بیان الحق را که در آن نزدیکی بود گرفتند و چند نفر از همسایه ها نیز به کارگران برای گرفتن او کمک کردند. کارگران بیان الحق را گرفتند و به کارخانه بردند.

درها را بستند. سرانجام دو پلیس راه دادند و بعد از آنها تعدادی لباس شخصی و پلیس وارد شدند. همه جا نیروی مسلح بود. مرتب کارگران را تهدید میکردند. میگفتند بیان الحق را بدهید ما بازداشت می کنیم و او را دادگاه محاکمه میکند. کارگران گفتند او را تحویل نمیدهیم قاضی بیاید همین جا در کارخانه او را محاکمه کنند. خلاصه شب ۲۰۰ کارگر در کارخانه خوابیدند و بیان الحق را هم نگذاشتند از کارخانه خارج شود.

صبح سه شنبه ۳ دیماه از طرف دفتر قضایی که قرار بوده حکم بدهد آمدند که بیان الحق را از کارگران تحویل بگیرند و به دادگاه ببرند. کارگران قبول نکردند و اعلام کردند که دادگاه را همین جا تشکیل دهید.



بیان الحق وانمود کرد حالش خوب نیست. کارگران او را به بهداری بردند. در دیوار کارخانه را کارگران با پلاکارد پر کرده بودند و در حین تجمع و حرکت بین صنایع فلزی شماره یک و دو نیز پلاکاردهای خود مبنی بر دستمزدهای پرداخت نشده را همراه داشتند. پلیس به محل آمد و به کارگران گفت شما حق ندارید بیان الحق را نگهدارید و گروگانگیری غیر قانونی است. کارگران هم گفتند ندادن دستمزدها غیرقانونی است و بیان الحق باید محاکمه شود. کارگران پلیس را به داخل راه ندادند و

پلیس به کارگران گفت شما نمایندگان را بفرستید تا در دادگاه شرکت کنند. فردمنش مدیر کل صنایع فلزی نیز در دادگاه است و هر دو را دادگاهی خواهیم کرد و جواب شما را میدهیم. هم نمایندگان کارگران و هم نمایندگان شورای اسلامی به محل دادگاه رفتند و دادگاه در غیاب بیان الحق برگزار شد اما نمایندگان کارگران را به دادگاه راه ندادند. فقط نمایندگان شورای اسلامی به دادگاه رفتند. سپس نمایندگان شورای اسلامی با رای دادگاه به کارخانه برگشتند با ژستی

که گویا کار مهمی صورت داده اند. حکم دادگاه از این قرار بود که به هر کارگر صد هزار تومان بدهند و کارخانه نیز راه اندازی شود. سرویس ها نیز از روز بعد شروع به کار کنند. کارگران با شنیدن این حکم از دادگاه و از شورای اسلامی شدت عصبانی شدند. در ابتدا فضا متشنج شد. کارگران در نمازخانه جمع شدند. یکی از کارگران سرش را میکوبید که با این پول چه کنم. یکی دیگر گریه میکرد. بیان الحق همچنان در گروگان کارگران بود. پلیس به داخل کارخانه آمد و گفت که باید بیان الحق را تحویل دهید و حکم دادگاه لازم الاجرا است. ولی کارگران قبول نکردند. پلیس به کارگران گفت اگر قبول نکنید گارد ضد شورش به کارخانه می آید و او را میبرد. کارگران گفتند شما قصد حل مشکل ما را ندارید شما طرفدار کارفرما هستید. چند ماه حقوق به ما نداده اند. این آیا غیر قانونی نیست؟ سرانجام کارگران تصمیم گرفتند بیان الحق را تحویل پلیس بدهند.

کارگران اعلام کردند که برای پیگیری خواسته هایشان دست به تجمعات بیشتری خواهند زد و همه طلبهایشان باید پرداخت شود. مبارزه کارگران صنایع فلزی دو ادامه دارد. یادآوری میکنم که مبارزه کارگران صنایع فلزی برای گرفتن طلب های خود از سال ۸۵ شروع شده و از شهریور ماه امسال مدام ادامه داشته و در ماههای آبان و آذر چندین تجمع اعتراضی توسط کارگران سازمان داده شده است. در تجمع کارگران در ماه آذر، کارگران شرکت واحد و رانندگان کامیون که در محل تجمع حضور داشتند با ایجاد راهبندان از کارگران صنایع فلزی حمایت کردند. *

از صفحه ۳ مصاحبه با عبدالله اسدی

ممنوع اعلام کرد و دست شبکه های جنبش اسلام سیاسی را از زندگی مردم کوتاه نمایند.

انترناسیونال: خطاب شما به پناهندگان، به سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی، سازمانهای کارگری و مترقی و انسان دوست در عرصه مبارزه برای دفاع از حق پناهندگی چیست؟

عبدالله اسدی: در پاسخ به سوال شما باید بگویم که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بیست سال پیش در پاسخ به همین ضرورت تشکیل شد و در طول این بیست سال در بسیاری از نقاط جهان و در دفاع از حقوق پناهیجویان و مهاجرین رل و نقش بسیار اساسی ایفا کرده است، از کمپینهای وسیع در اشکال محلی و سراسری تا دخالت مستقیم در پرونده

هزاران پناهیجوی ایرانی و راهنمایی آنها و آشنا کردنشان به محیط جدید و قوانین پناهندگی در قامت یک سازمان اجتماعی، تاریخ بسیار درخشان و پرافتخاری را پشت سر گذاشته است. با این مقدمه و در پاسخ به ادامه سوال شما میخوام بگویم که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با تمام نیرو و امکانات خود در مقابل تصمیمات اخیر دولت سوئد و اتحادیه اروپا مبنی بر اخراج

پناهجویان و مهاجرین ایستادگی خواهد کرد و به سهم خود تلاش خواهد کرد تا با اتکا به نیروی دهها و صدها سازمان دفاع از حقوق پناهندگی و بسیاری از نهادهای دفاع از حقوق بشر و همچنین بکار گرفتن نیروی خود مهاجرین و اتحادیه های کارگری در مقابل این تصمیمات ایستادگی کنند. به علاوه میخوام به همه پناهجویان در کشور سوئد و همه

دنیا اعلام کنم که متأسفانه آینده بسیار پرمشقتی را در پیش دارید و برای مقابله با این وضعیت باید در همه جای جهان متشکل شوید و در مقابل فشار دولتها و تحمیل بی حقوقی از حقوق انسانی خود دفاع کنید. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ظرف مناسب این مبارزه است. باید تماس بگیرید و به این سازمان برای دفاع از حقوق پناهندگی پیوندید. *

ترس از شلوغ شدن شهر دولت را به عقب نشینی واداشت ۱۹۴ کارگر اخراجی لاستیک اردبیل با مبارزه کارگران به سر کار برگشتند

همچنین کارگران خدمات شهرداری و کارگران سیمان اردبیل قاطعانه پشتیبانی میکنند و آنها را به اتحاد هرچه بیشتر و برگزاری مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی برای ادامه مبارزه فرامیخوانند. حزب از کارگران کلیه مراکز کارگری و مردم اردبیل بویژه خانواده های کارگران میخواهد در هر اجتماعی که توسط کارگران برگزار میشود فعالانه شرکت کنند و به هر شکل ممکن از آنها حمایت کنند. نیروی متحد شما بسیار بیش از آنچه تصور میکنید حکومت و مدیریت را به وحشت انداخته و مجبور به عقب نشینی میکند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ دسامبر ۲۰۰۸، ۳ دیماه ۱۳۸۷

اعتراضی سیمان و خدمات شهرداری و پیوستن مردم به تجمع اعتراضی کارگران یک حقیقت مهم را خاطر نشان کرد. مردم آمادگی حمایت از مبارزه بحق کارگران را دارند و این یکی از نقاط قوت مهم این اعتراض و یک عامل مهم عقب نشینی دولت و مدیریت بود. روی این نقطه قوت باید حساب کرد. بویژه تجمع همزمان کارگران چند کارخانه فضای دخال و پیوستن مردم را بیشتر فراهم میکند. گام دیگری که باید توسط کارگران برداشته شود از یکطرف برگزاری منظم مجمع عمومی و از طرف دیگر تلاش پیگیر برای حضور فعال همسران کارگران و سایر اعضای خانواده های آنها در تجمعات اعتراضی است. جمهوری اسلامی قادر به مقابله با تجمعات متحدانه کارگران و خانواده هایشان نیست.

چنین تجمعاتی بسرعت در شهر مپیچد و مردم زیادی را به حمایت از آن میکشاند.

حزب کمونیست کارگری از مبارزه و مطالبات بحق کارگران لاستیک گلد استون اردبیل و

داشت. پلیس و نیروی انتظامی در محل حضور داشت اما جرات مقابله با کارگران را نداشت. با اسکورت مدیریت را به محل تجمع آوردند که جواب کارگران را بدهد. ترس مسئولین و نیروهای انتظامی از کشیده شدن اعتراض به شهر و پیوستن مردم به اجتماع کارگران کاملاً مشهود بود. از کارگران خواسته شد برای شنیدن صحبت مدیریت به حیات استانداری بروند که در خیابان نباشند. با فشار کارگران مدیریت عقب نشست و همه ۱۹۴ کارگر اخراجی به سرکارشان بازگشتند. کارگران اعلام کردند که به کلیه خواستهای آنها در بیانیه ۱۶ ماده ای باید پاسخ داده شود و در صورتی که به این خواستها رسیدگی نشود، تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت.

طبق این گزارش، تعدادی از کارگران فیلمی از گزارش کانال جدید درمورد اعتراض قبلی آنها تهیه کرده و به کارخانه آورده بودند و درمورد آن صحبت میکردند. تجمع همزمان با کارگران

داشت. روز ۳۰ آذر حدود ۲۰۰ نفر از کارگران جمع شدند و قرار و مدار تجمع برای روز ۱ دیماه که قبلاً اولتیماتوم داده بودند گذاشته شد. روز ۱ دیماه کارگران وقتی میخواهند به کارخانه بروند متوجه شدند که به جای ۹ سرویس فقط ۴ سرویس کار میکنند. کارگران با ماشین شخصی و به شکل های مختلف خود را به کارخانه رساندند. در آنجا متوجه شدند که مدیریت اسامی ۱۹۴ نفر را بعنوان اخراجی اعلام کرده است. بدنبال این موضوع کارگرانی که وارد کارخانه نشده بودند به طرف استانداری رفتند و درمقابل استانداری تجمع کردند. از ۱۵۰۰ کارگر این کارخانه حدود ۱۰۰۰ نفر در تجمع مقابل استانداری شرکت داشتند، اما بتدریج کارگران کارخانه سیمان و کارگران خدمات شهرداری نیز در مقابل استانداری دست به تجمع زدند و مردمی که شاهد تجمع کارگران بودند به کارگران پیوستند و جمعیت معترض به ۳۰۰۰ نفر رسید. این تجمع از اوایل صبح شروع شد و تا ساعت ۱۱ صبح ادامه

طبق گزارش بیژن مهدوی خبرنگار کانال جدید، کارگران کارخانه لاستیک سازی گلد استون (gold stone) واقع در ۵ کیلومتری شهر اردبیل، با تجمع اعتراضی خود در روز اول دیماه کارفرما و دولت را مجبور کردند ۱۹۴ رفیق اخراجی شان را به سر کار برگردانند.

در اطلاعیه های قبل به اطلاع رساندیم که کارگران لاستیک گلد استون از اول آذرماه دست به اعتصاب طولانی و تجمعات اعتراضی زدند و بیانیه ای حاوی خواستهای مهم آنها که در ۱۶ ماده تنظیم شده بود بصورت یک تومار امضا کردند و به مسئولین ارائه دادند. افزایش پایه حقوق، رسمی کردن کارگران موقت، امنیت شغلی و حق انتخاب نمایندگان خود، از جمله خواستهای کارگران است. کارگران در تجمع اعتراضی خود در روز ۱۷ آذر با توجه به قول و قرارهایی که به آنان داده شد تا اول دیماه به کارفرما مهلت دادند. در این فاصله مدیریت به بهانه انجام برخی تعمیرات کارخانه را بسته نگاه

کارگران بازنشسته ذوب آهن و خانواده هایشان جاده اصفهان شهر کرد را بستند

ذوب آهن اصفهان که یکی از بزرگترین مجتمع های کارگری است، به نیروی قدرتمندی تبدیل میشود که قادر است جمهوری اسلامی را به عقب براند و خواستهای کارگران را به کرسی بنشاند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دسامبر ۲۰۰۸، ۳ دیماه ۱۳۸۷

باز هم خبری نشد. کارگران به اعتراض ادامه دادند و در تجمع ۲۵ دیماه اولتیماتوم دادند که چنانچه تا آخر دیماه بنا به وعده داده شده پاسخ داده نشود، بار دیگر دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواستهای بحق کارگران بازنشسته و قراردادی ذوب آهن اصفهان حمایت میکند و کلیه کارگران شاغل و بازنشسته ذوب آهن و اعضای خانواده های آنها را به پیوستن به این اعتراض فرامیخواند. اتحاد کارگران

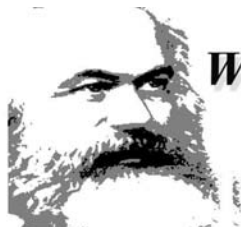
فرستادند که به آنها گفته شد که اقدام خواهد شد ولی این نیز وعده ای توخالی بود.

طبق گزارش یوسف بهمنی، ۵ سال قبل در مورد هماهنگ سازی حقوق کارگران، حدود ۳۸ میلیارد تومان به صندوق بازنشستگی کارگران واریز شده بود اما این پول توسط مسئولین مختلف و با بند و بستهایی بالا کشیده شد و به کارگران داده نشد. بدنبال اعتراضات کارگران قرار شد طرح هسان سازی حقوقها از سال ۸۶ به اجرا گذاشته شود اما

کارگران آمد و قول رسیدگی به خواستهای کارگران را داد. بدنبال این تجمع، جلسه ای با نماینده فرماندار، نمایندگان کارگران و مدیر ذوب آهن برگزار شد و به کارگران اعلام شد که مابه التفاوت حقوق بازنشستگی آنها طی چند مرحله پرداخت خواهد شد. وقتی نمایندگان کارگران این تصمیم را به کارگران گزارش دادند، کارگران پرداخت مرحله ای طلب های خود را نپذیرفتند و به اعتراض خود ادامه دادند. کارگران سپس ۱۵ نفر از نمایندگان خود را به دفتر احمدی نژاد

طبق گزارش یوسف بهمنی خبرنگار کانال جدید، روز ۲۵ آذرماه بار دیگر کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان که اینبار خانواده هایشان نیز آنها را همراهی میکردند، دست به تجمع اعتراضی زدند و اتوبان اصفهان شهر کرد را مسدود کردند.

کارگران بازنشسته ذوب آهن خواهان افزایش حقوق بازنشستگی و هسان سازی حقوق خود با سایر بازنشستگان هستند. در تجمع قبلی خود در روز ۱۲ آذر فرماندار به میان



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

صدای مردم در کانال جدید

نگ بر این حکومت خط فقر برنامه ای از کاظم نیکخواه

سلام آقای نیکخواه. ما الان جشنی داریم و با دوستان طرفدار برنامه های کانال جدید و حزب کمونیست کارگری هستیم و از مبارزات دانشجویان بخصوص دانشجویان شیراز هم حمایت میکنیم. دختری جوان از طرف دوستانش از اندیشک

مردم ایران خاطر خواه حکمت سلطنتی و غیره نیستند فقط میخواهند که زندگی آزاد و برابر و مرفه داشته باشند و نمیخواهند که حکومت آخوندی را بزیر بکشند و حکومت پادشاهی بیارند! من از همین کانال به سران این حکومت میگویم که اگر خودشان نروند و بخوانند با ادامه کشتارشان پدر این ملت را بیش از پیش دربیارند بدانند که تیکه بزرگشان گوششان خواهد بود و اینرا بلوند که تلافی این ۳۰ سال را طوری از سرشان درمیاریم که تا ۳ هزار سال توی تاریخ تعریف کنند!

مردی از ایران

از نشانه های عدالت اجتماعی از بین بردن فاصله شهر و روستاست و حکومت سوسیالیستی در اندک مدتی میتواند این فاصله را از پر کند. حکومتی که در مقابل حق زنان حجاب را و در مقابل گرسنگی قطع انگشت بیارود و اعدام و شکنجه راه بیاندازد و حامیان مردم و سوسیالیستها را بزنجیر بکشد، این حکومت بربریت و قرون وسطایی هرگز نمیتواند برای مردم باشد! بیمه بیکاری و حق مسکن و بهداشت و تحصیل رایگان مال همه است و زنان و مردان برابرند و امروز این حقوق انسانی برای همه شناخته شده است. زنده باد سوسیالیسم و زنده باد حزب کمونیست کارگری.

مردی از آذربایجان

آقای نیکخواه سلام، من کارگر هفت تپه هستم و اخراج شده ام و در مدتی هم که زندان بودم خانم من سرطان سینه داشتند و یکی از سینه

هاشو قطع کرده اند و الان برای بقیه هزینه هایش به مرکزی مراجعه کرده ام که کلیه ام را بفروشم و گفتند که هفت میلیون تومان میخریم و عمل میکنیم! میخواستم خدمت آقای وزیر رفاه سلام برسوم و از بابت همه رفاهی که برای ما بوجود آورده اند تشکر کنم.

کارگر هفت تپه

آقای نیکخواه سلام، ما زیر خط فقر هستیم و فردا هم شب عید است و واقعا نمیدانیم چکار کنیم. مردی از آذربایجان غربی

سلام به آقای نیکخواه و به حزب کمونیست کارگری ایران. میخواهم به وزیر ... رفاه بگویم که اگر نمیدانید که مردم زیر خط فقرند فقط بروند به مدارس و ببینید که از صد دانش آموز دندانهای ۸۰ نفرشان خراب است و همه اش هم از سوء تغذیه است و حتما نباید مثل بچه های آفریقا شکمشان برآمده باشد تا بفهمید که گرسنه اند. ما هزار جور منابع در کشور داریم و نفت داریم و کارگران اینهمه جان میکنند و تولید میکنند خب اینها کجا میره؟! اینهمه پولی که به یک مشت تروریست فلسطینی و لبنانی مثل خودتان میدهد اگر برای خود مردم صرف میشد الان وضع دیگری داشتیم. بخاطر نداری دندانهای پوسیده دو تا بچه ۱۲ و ۱۳ ساله ام را کشیدند! من کارگر بدبختی هستم که ماهی دو بیست هزار تومان اجاره میدم و دو بیست و نود هزار تومان هم حقوقم است. زمستان که شروع میشه این کارگران در سرمای طاقت فرسا ساعتها میایستند که یکی بیاید و روزی هفت هزار تومان به اینها کاری بدهد! مسلما خود این حاکمان جایشان گرم و نرم است. لعنت بر اینها که این چیزها را نمیفهمند.

کارگری از ایران

سمبل فقر دانش آموزی است که در کلاس من نشسته و ساعت ۱۰ صبح با لرزش بدنی خوابش میبرد چونکه با نان و چایی آمده سر کلاس! خطر فقر یعنی چشم براه بودن بیکاران برای کار در چهار راهها در حالی که از شدت سرما میلرزند آنهم برای روزی ۷ هزار تومان. مزدوران

رژیم اگر وجدان داشتند اینها را میبیدند و اینجور پارازیت نمیدادند. یکسال و نیم است که من و خانواده ام بعد از ۳۰ سال تلاش شما را پیدا کردیم و خوشحالیم. خودمو عضو حزب میدانم و عضو رسمی خواهم شد.

معلمی از مازندران

سلام آقای نیکخواه. بنظر من بجز سوسیالیسم هیچ راهی برای رفاه و آزادی و برابری نمانده است. مردی از ایران

نه به حجاب،

نه به جمهوری اسلامی

برنامه ای

از اصغر کریمی

خیلی ممنون از برنامه های روشنگران که سالها از آن دور بودیم و الان امید و آگاه کننده مردم شده بخصوص اینکه در تمامی سالها از بین جریاناتی که مبارزه میکردند کسی نبود که با این شیوه بتواند به مسائل اجتماعی بپردازد و برخورد بکند و نقد بکند، و مشخصا منظوم برخورد به حجاب و مسئله مذهب است و برایم جای خوشحالی است و سازنده است و برایتان آرزوی پیروزی میکنم.

مردی از ایران

سلام آقای کریمی، نه به حجاب، نه به جمهوری اسلامی، شعار من در سال ۵۷ بود بخاطر اینکه در انقلاب علیه رژیم پهلوی شرکت داشتم و ضمنا بدون اینکه آدم مذهبی باشم بخاطر نداشتن دید سیاسی درستی طرفدار خمینی هم بودم اما دو هفته بعد از بهمن ۵۷ خود خمینی گفت زنها باید حجاب اسلامی را رعایت کنند و از همان روز با شعاری که گفتم مخالفت با خمینی شروع شد و با اطرافیانم هم بحث این بود که کلمه باید یعنی دیکتاتوری اسلامی! وگرنه ما برای آزادی انقلاب کرده ایم!

مردی از ایران

حجاب، نماد بربریت و کثیفترین شیوه اسلام است. در روزگاری که بنام خدایان بادیه نشین دختران طفل را زنده بگور میکردند اسلام هم همان بربریت را با تحمیل حجاب بر زنان،

آنها را در گورهای حجاب به زندان ابدی کشاند. آنهایی که میخواهند بربریت اشکار اسلام را از جامعه بزداوند از محمد بنیانگذار اسلام باید شروع کنند که به داشتن ۲۲ زن رسمی قادر میشود و با شهادی تمام بنام خدا آیه های سوره التحريم را نشخوار میکند و جان و مال کافران را بر تحکیم شهوات مسلمانان قانونی می شمارد، و امروز نماینده این بربریت همین جمهوری اسلامی است. شرم بر آنانی که از قوانین بربریت اسلام حمایت میکنند و مرگ بر جمهوری اسلامی.

مردی از ایران

درد به آقای کریمی، مسئله حجاب ترفند جمهوری کثیف اسلامی است برای تحمیل زور به مردم. اگر حجاب مهم است پس چرا زنان اسلامی میانند دست ولی فقیه را میبوسند؟! هم دین اینها و خود اینها همه شان کثیفند و برخلاف ظاهر آراسته شان باطنشان پر از انگیزه جنایت و کینه و نفرت است. تا روزی که اسلام در جامعه است آسایش و رفاه نخواهد بود. ما هزار و چهار صد سال است چوب اسلام کثیف را میخوریم و باید ریشه اش را سوزاند. زنها هم مثل ما مردها انسانند و همه مان یکی هستیم و چیزی بنام نامحرم و شهوت وجود ندارد و همه ما از دید خدا و دین زرتشت برابریم!

مردی از ایران

سلام و خسته نباشید. میخواهم بگویم چرا نه به حجاب، نه به جمهوری اسلامی هم هست؟ برای اینکه این رژیم از همان اول بنیان حکومتش را روی سرکوب زنان استوار کرده بشیوه اسید پاشیدن و اعدام و سنگسار و غیره و این نشان میدهد که سرکوب زنان برای این رژیم یک مسئله حیاتی است و میخواهد با سرکوب و حذف نیمی از جامعه، بر نیم دیگر جامعه هم ساده تر حکومت کند. بنظر من مسائل دین و غیرت و حرام و غیره همه شان در حاشیه است. اساسا چرا باید در این جامعه به زن بعنوان کالا باید نگاه شود؟! و این توهین به مردان جامعه هم هست که به زنان اینطور نگاه میکنند! ولی این دقیقا همان دید کثیفی هست که خودشان به زنان دارند و نه مردم و مردان جامعه، اتفاقا در دل جامعه، مردم خیلی

مردن تر به مسئله زن نگاه میکنند. بیننده ای گفتند که اسلام سیاسی غلط است باید گفت که اتفاقا جمهوری اسلامی نماد اسلام سیاسی است و حجاب هم دقیقا نماد همین اسلام سیاسی در این دنیاست. امروز مدل موی پسران و حجاب دختران برای این رژیم یک مسئله حیاتی شده و نیروهای عظیمی را بسیج کرده اند که جوانان را سرکوب کنند. دوستی بطور طنز میگفت که این رژیم به تار موی زن بند است! اینها از مهد کودک تا دانشگاه و از روزنامه تا تمامی کارهای فرهنگی و کتاب و فیلمها و سینما دارند روی حجاب پیش میروند و بنظر من اگر امروز به جامعه نگاه بکنیم میبینیم که جمهوری اسلامی در مقابل جوانان موفق نشده و لذا مجبور میشود که هر روز برایش طرح بیاورد و نیروی ویژه پیاده کند ولی با وجود این خودشان اعتراف کرده اند که نتوانسته اند جوانان را عقب برانند. من از همه جوانان دعوت میکنم که برای مبارزه موفق تر به حزب کمونیست کارگری بپیوندند تا جمهوری اسلامی را با یک مبارزه سازمان یافته بزیر بکشیم. پیامی هم که به دانشجویان دارم این است که اول خود دانشجویان با شعار نه به آپارتاید جنسی و تفکیک جنسیتی، همین مبارزه را به پیش برده اند. یکی از مبارزات دانشجویان با مامورین امنیتی سر همین حجاب و رنگ لباسشان بوده و بنظرم تا اینجا خوب پیش آمده اند، و باید همین را ادامه بدهند و رویش خیلی قاطع بایستند که دانشگاه محل تحصیل است و نه مانور جمهوری اسلامی برای تحکیم حجاب و مذهب بر آموزش و پرورش. دانشجویان اعلام کردند که آموزش سکولار میخواهند و این بنظر من خیلی حرف واضح و روشنی است و این نه تنها یعنی نه به حجاب بلکه نه به کلیت حضور جمهوری اسلامی در دانشگاه است که یعنی دین از دانشگاه حال چه با حجابش و چه با استاد مذهبی و چه با هر چیز دیگرش برود. بنظرم دانشجویان باید روی همین مسئله محکم بایستند و کوتاه نیایند و جمهوری اسلامی در موقعیت حساسی قرار دارد و دانشجویان هم در موقعیت خیلی خوبی قرار دارند و میتوانند ایستادگی کنند و اجازه ندهند که جمهوری اسلامی هیچ

از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید

غلطی بکند.

الیا تابش از مسئولین سازمان جوانان کمونیست

الو، آقای کریمی بنظر من خود اینها وزیر وزرا و مقامات بالای نظامی برای همسرانشان مسئله حجاب را طرح نمیکنند اما برای مردم شدیداً گیر میدهند! اینها برای خودشان و زن و بچه خودشان آزادی میدهند و دختران و زنان خودشان سفر میکنند و در خارج خوش میگذرانند در صورتی که همه زنان جامعه باید آزاد باشند که سفر بکنند یا نکنند و زن و بچه های مردم هم باید آزادی داشته باشند.

زنی از ایران

مردم باید آزاد باشند رنگ لباس و پوشش را خودشان تعیین کنند و اینها با قوانین هزار و چهارصد سال پیش نمیتوانند جامعه را اداره کنند و مردم با کمک حزب کمونیست کارگری اینها را میاندازند.

مردی از ایران

سلام آقای کریمی اول از همه از زحمات کانال جدید تشکر میکنم. حجاب سمبل و پرچم مذهب و پیروزی مذهب در حکومت است. بقول دختر پیامبر بهترین هدیه ای که خدا برای لذت زنان داده سیغه است. از نعمات دیگر این خدا سرمایه اسلامی است که استثمار کنند و همه اینها هم در جهت تحمیل کردن خط فقر و بردگی به زنان و کل جامعه است.

مردی از ایران

سلام آقای کریمی. از وقتی که طرح مبارزه با بدحجابی شروع شده اینها 3 بار مرا گرفتند، بار اول 5 ساعت نگهداشتند ولی تعهد ندادم و به ۹۰ - ۸۰ دختری که گرفته بودند میگفتم که عزیزان من شما لطف کنید تعهد ندهید کاری نمیتوانند بکنند. بخاطر همین منو انداختند توی بازداشتگاه و ساعت ۲ نصف شب بعد از اینکه برادر و مادرم سندی آوردند آنوقت آزادم کردند.

حجاب دقیقاً مظهر سرکوب حکومت است. تنها دین اسلام است که اینجور روی حجاب تاکید کرده و در قران فقط گفته که زنت را بگیر و بزنی و بکش! و همه قوانین این

حکومت هم دقیقاً از قران برخاسته. حقوقدانهای ما ۱۷ واحد فقه میخوانند و تماماً نشان میدهد که فلان آیه مربوط به کدام قانون است. ببینید آقای کریمی هر مشکلی که مردم ما دارند از ناآگاهیهایشان است و اگر زنان بدانند که در قران و در قانون اسلامی هیچ حق و حقوقی ندارند خیلی فرق میکنند. من به مادر و زنان نسل مادرم میگفتم که آیا هیچ میدانید که اگر مرد شما کشته شود اولین مظنون شما هستید؟! میبینم نمیدانند و وقتی میدانند کلی تعجب میکنند. کانال شما و هر کانالی باید به مردم آگاهی جامعه شناسی و روانشناسی و حقوق و سیاست و غیره بدهد چراکه مشکل مردم ما تماماً ناآگاهی است که به این فلاکت رسیده اند. زمانی که مرا گرفتند وکیل من گفت که در قانون اساسی چیزی نداریم که بگوید روسری تا کجا باید باشد و مانتو تا کجا باید باشد! من در قبال اینها گفتم در فلسطین و جوامع اسلامی دیگر و فرانسه و غیره همه جا مسلمان داریم اما شما از کجا میگویید که حجاب و پوشش من باید چه جور باشد! میخواهم بگویم که اینها دقیقاً دارند با حجاب حکومت دیکتاتوریشان را دیکته میکنند. مرا از محل کارم با این شکایت که این خانم با آرایش غلیظ و حجاب اسلامی نادرست نشسته و جواب ارباب رجوع را میدهد اخرجم کردند و ۷۰ ضربه شلاق بردند و زدند و در حکم نوشتند که اگر یکبار دیگر تو را بگیریم حکم تو دوبار انجام میشود و زندان را هم میبیزی. در سوره نسا نوشته که اگر 4 نفر شاهد باشند که خانمی زنا کرده اول باید این خانم را بیندازیم در اتاقی و غذا ندهیم تا زمانی که مرگ طبیعی او فرا برسد، و نوشته که خداوند به مردان ارجحیت داده! من میگم آخه این کدام خدایی بوده که به مردان ارجحیت داده و چر؟! خواهش میکنم این مطالب را به زنان ما بگویید. آقای کریمی گرچه خیلی بضرر میشود ولی حاضر برای آگاه شدن زنان جامعه خیلی کارها انجام بدهم.

زنی جوان و شجاع از ایران

جوانان و حجاب برنامه ای

از رضا مرادی

الو سلام. مرده شور این اسلام کثیف و قوانین ارتجاعیشون را ببره. مرده شور محمد رو با اون افکار ضد انسانیشو ببره، مرده شور باید اون امام زمان خرافاتیسیون رو ببره، مرده شور باید رهبر جنایتکار حکومت شون رو ببره. مرده شور باید این حزب الهی های بی شعور و احمق و تجاوزگر رو ببره که پول میگیرن و میان رو خط و ما با اتحاد خودمان بساطشان را جمع میکنیم.

مردی از ایران

سلام آقا مرادی، شما در ایران مشکل آخوندها را دارید و ما هم همین مشکل را توی افغانستان داریم هیچ فرقی نمیکنند، آخوند هر جا باشه آخونده فرقی نمیکنه تو کوهستان یا عربستان یا ایران. تمام دوستان ما که از مشهد میان میگن که هیچ خوبی از این رژیم ایران ندیدیم؛ من خودم از طرف بابام ذاتا ایرانی هستم و چشم امید ما هم به مبارزات کسانی مثل شماست که در داخل ایران مبارزه میکنند.

جوان از افغانستان

سلام آقا مرادی. در جواب این آقا بگویم که ما اصلاً مقدسات نداریم که تازه توهین هم حساب بکنیم، آن اقا نظر خودشو گفت که محمد متجاوز بود و یکی هم میباید نظر خودشو میگه، ولی خب این قوانین جمهوری اسلامی هم از همان محمد و قرآنش ریشه گرفته. حاکمان و مزدوران جمهوری اسلامی با مقدس حساب کردن حرفهای خودشان سوء استفاده کرده و پدر مردم در آورده اند. ما هیچ تقدسی نداریم. و اما به اصل موضوع برسیم، آناتول فرانس میگوید: دزدی و تجاوز در عمل بد است ولی نتیجه ای که میدهد مقدس است، دادگستری در مجامع بورژوازی همان نگهداری از اموال دزدی است که در قرون و اعصار بدست آمده است. همین الان اگر به اسلام نگاه کنیم همان نتیجه دزدیهای محمد بوده که امروز بصورت قانون و حکومت در اسلام در آمده است. شما دو قبیله وحشی را در نظر بگیرید که قبیله قویتر زنان و مردان قبیله ضعیف تر را میکشند و دختران و بچه ها و اموالشان را تصاحب میکنند، و رئیس قبیله بعد از تقسیم غنایم گرزش را بدست

میگیرد و میگوید دزدی گرچه بد است ولی نتیجه ای که میدهد مقدس است، اینها اموال من است و هرکس دست دراز کند با این گرز بر سرش میگویم. بدبختی بشریت از همین پیغمبران و شیادان ... است. با آرزوی موفقیت شما.

مردی از ایران

من از روستایی هستم که هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد و مردم به فقر و فلاکت و گشنگی دارند میمیرند ولی روی هر بام یک بشقاب ماهواره است تا این برنامه ها رو گوش کنند! امید این مردم بشمات.

مردی از یک روستا

درد بر کانال جدید. از بدی اوضاع مذهبی و حجاب است که دنیای به این بزرگی برای ما مخصوصاً زنهای حقیر و تنگ شده. این رژیم میخواهد عرصه زندگی را برای نصف جامعه تنگ بکند و زن را لکه ننگ خانواده میداند اما اینطور نیست و این برچسبها بر تن زنان و دختران ما نمیچسبند. بی حجابی یعنی مبارزه با رژیم، بی حجابی یعنی مبارزه با آپارتاید جنسی، بی حجابی یعنی مرگ بر جمهوری اسلامی، یعنی زنده باد آزادی و برابری. بی حجابی یعنی زنده باد حزب کمونیست کارگری

مردی از شمال ایران

آقای مرادی سلام، زندگی در همه جای ایران مخصوصاً زاهدان جز بدبختی و فلاکت چیزی نیست ولی اینها برای ما افغانیها همین زندگی را هم زیاد میبینند و در این سرما راهی دشت و بیابانمان میکنند.

یک افغانی از زاهدان

شبتان بخیر. میخواستم در برنامه حجاب که خطاب شما به جوانان و نوجوانان ایران است نکاتی بگویم. همه دخترانی که تا چشم باز کردند حکومت اسلامی را بالای سرشان دیدند که با همه حرمت و آزادی و زندگی انسانی آنها مخالفت میکند بیاند در این تلویزیون و در خانواده و خیابان و مدرسه و دانشگاه و اتوبوس و محیط زندگیشان افکار و عقایدشان را بطور علنی مطرح کنند. این خیلی مهم است که خود این جوانان احساس کنند که حق با آنهاست و این حکومت همه زندگی

آنها را مورد حمله قرار داده. فرق نمیکند که در چه خانواده و با چه فرهنگی دنیا مییابند ولی از همان اول وقتی به آنها میگویند که تو دختری و فرق داری و از همان اول در مدرسه حجاب سرش میکنند که درست مثل یک سلول انفرادی میماند که بچه با خودش حمل میکند، و بعد هم یواش یواش یاد میگیرد که حق ندارد که بلند حرف بزند و برود به خیابان و حق ندارد بلند حرف بزند و با پسرها بازی کند و هر دانشگاهی برود و هر چه خواست بپوشد، و بعد هم که کمی بزرگتر میشود میبینند که حق انتخاب همسر و طلاق هم ندارد و همه اینها بطور فشرده

موقعیت زنهارا در حجاب نشان میدهد. لذا خیلی مهم است که دختران جوان علیه حجاب باشند و الان موقعیت بجایی رسیده که واقعا میشود پرتش کرد، علیه حجاب شعار نوشت و در خیابان تظاهرات کرد و نشان داد که دختر یا پسر و مرد یا زن فرقی ندارد و نشان داد که همه انسانند و یکبار بدنی آدمیم و میخواهیم زندگی کنیم و درس بخوانیم و کار داشته باشیم و از زندگیمان لذت ببریم و میخواهیم آقا بالا سر نداشته باشیم و با مردان برابر زندگی کنیم، و در محیط خانه و مدرسه و دانشگاه و محیط کار و جامعه میخواهیم حقوق برابر داشته باشیم. جمهوری اسلامی با تحمیل حجاب روی کار آمد و سی سال است که همه این حقوق را برای دختران و زنان ممنوع کرده، و فقط با مبارزه ای که همین جوانان و مردم میکنند این رژیم خواهد رفت. دختران و این جوانان بدانند حق با آنهاست و ما از آنها دفاع میکنیم وقتی میخواهید حجابتان را پرت کنید یا دوست پسر داشته باشید و آزادانه دست دوستانتان را بگیرید و راه بروید و کلا وقتی میخواهید تحصیل کنید و امکانات رفاهی و آزادی داشته باشید همه اینها حق شماست. نکته ای هم خطاب به پدر و مادران همسن خودم دارم که فرهنگ و اخلاقیات و افکار عقب مانده را باید کنار گذاشت و باید با صدای بلند از حق شادی کردن و پارتی گرفتن این فرزندان و جوانان دفاع کنند و همه بزرگترها بدانند که اکنون دیگر عرصه مبارزه با جمهوری اسلامی فعالتر شده و میتوان بهنگام حمله مزدوران رژیم بخاطر بدحجابی و غیره جلویشان

از صفحه ۷ صدای مردم در کانال جدید

ایستاد و از آزادی این جوانان دفاع کرد.
مینا احدی

سلام آقای مرادی، به این آقای که میگویند نباید به اسلام توهین کرد بگویم که شما نه تنها به عقاید دیگران هر نوع توهینی نمیکنید بلکه علنا میگیرید و تحقیر میکنید و زندان و شکنجه میکنید و کسی را که سوال میکند که خدا و محمد از کجا آمد گردنش را میزنید و سنگسار و اعدامش میکنید و آنوقت کسی که میاید و به محمد و قرآن چیزی میگوید دادتان در میاید که مقدساتم زیر سوال رفت! به مردم ما ثابت شده که جمهوری اسلامی اهل حرف زدن و بیان و گفتگو نیست و جز جنایت و سرکوب چیزی نمیفهمد. آقای مرادی بنده نمیخواهم که دختر بنده حجاب داشته باشد، اختیار دار دختر بچه بنده کیست؟ آیا پدر و مادرش است یا ولایت فقیه؟! آخه پارچه و حجاب که نجات نمیآورد و افتخار نمیآورد بلکه با همین پارچه حجاب دختران و زنان مردم را به بند کشیده و اسیر کرده اند.

پدر جوانی از ایران

علیه اعدام برنامه ای از کیوان جاوید

سلام کیوان عزیز، اعدام جنایت علیه بشریت است و خمینی و حکومتش سبب همین جنایت است. بهانه هایی که برای اعدام میآورند باید بر اساس رابطه علت و معلول

بررسی کرد، هیچ کسی از مادر دزد و جنایتکار زاده نمیشود بلکه این جامعه است که انسانها را شکل میدهد و جامعه را هم قوانین و نظام حاکم شکل میدهد لذا علت اصلی تمام این دزدیها و بدبختیها و جنایتها نخست خود آخوندها و سران حکومت سرمایه است. اگر یک مناسبات درست در جامعه حاکم شود اکثر جرم و جنایت از بین میرود و اگر هم از بین نرود خیلی خفیف میشود آنهم مختص افرادی که ممکن است مشکلات روحی داشته باشند لذا بهیچوجه نباید اعدام باشد بخصوص اینکه جمهوری اسلامی مخالفین سیاسی خودش را با نام اراد و اوپاش اعدام میکند تا مورد اعتراض مردم واقع نشود. این حکومت را باید انداخت.

جوانی از ایران

واقعا در ایران دارند با دلیل تراشیهای خودشان جوانان ما را اعدام میکنند و ما خودمان نمیدانیم چکار کنیم بلکه شما باید راهکار را برای ما جوانان نشان دهید. ما باید باهم تماس داشته باشیم.
دانشجوی ۲۰ ساله از ایران

سلام شبستان بخیر. برنامه جالبتان را میبینم و ما داریم در مبارزه علیه اعدام قدم بزرگ دیگری برمیذاریم. از همه بینندگان عزیز میخواهم که حتما بیایند روی خط و صحبت کنند و بقول شما با صحبت در محیط کار و محله و مدرسه و دانشگاه خودشان این مبارزه را گسترده کنند. ما در ایران داریم یک تغییر فکری و یک رنسانی را پشت

سر میگذاریم و همه باهم میلیون نفر داریم میگویم که نه به اعدام چونکه الان دیگر همه میدانند اعدام یعنی قتل عمد و قتل عامدانه و قتل خونردانه توسط دولتها و اتفاقی است که متأسفانه میافتد. من از مردم میخواهم که بپا خیزند و بهر طریقی که میتوانند اعتراض کنند و این کانال هم در اختیارشان هست که همه باهم بیاییم و اعلام کنیم که مخالف اعدام هستیم و مخالف قتل عمد دولتی هستیم و خانواده های اعدامیها را تنها نمیگذاریم و میجنگیم و مبارزه میکنیم برای نجات جان آنهايي که در آستانه اعدام هستند. همینجا فرزاد کمانگر و خطیر بودن وضعیت او را اعلام میکنم و از مردم کامیاران و کردستان و کل ایران دعوت میکنم که بیایند و علیه حکم اعدام او حرف بزنند و خانواده فرزاد کمانگر و بهنود شجاعی و کبرا رحمانپور و صدها نفری که در شرف اعدام هستند تنها نگذارند تا آنها هم در زندان احساس قوت قلب بکنند.

مینا احدی

سلام اقا کیوان. من مخالف صد در صد اعدام هستم و اینها خود من را هم بخاطر اینکه کارم با فال و صحبت آرامش دادن به مردم است و در دل مردم محل جا دارم تهدید به اعدام و حبس ابد کرده اند.
زنی از ایران

ریشه اعدام در کتاب قران برگرفته از سنتهای قرون وسطایی است که جمهوری اسلامی به وفور از آن بهره میگیرد تا جامعه طبقاتی را حفظ کند و حکومت خود را محکم کند. عمل صادر کنندگان حکم

اعدام بمراتب شنیعتر از نفس عمل قاتل است و این قتل عمد دولتی است که حکومتها دارند میکنند. همانظوری که در اروپا اعدام وجود ندارد و قتل و جنایت خیلی کاهش یافته در هیچ کجای دنیا هم نباید باشد. اعدام زالییده فقر و فلاکت در جوامع عقب افتاده مذهبی بویژه اسلامی است. من بعنوان یک پناهنده سیاسی به تمام نهادهای انساندوست بر علیه جمهوری اسلامی اعلام جرم میکنم.
پناهنده ای از اروپا

آقای کیوان سلام. خمینی از اولین روز حکومتش حکم اعدام مخالفینش را صادر کرد و باید گفت که ایت الله اصلی اعدام خود همین خمینی بود و این حکومت را ۳۰ سال است توسط رفسنجانی و خامنه ای و پورمحمدی ها به اینجا رسانده که بجرم یک اعلامیه و بجرم یک دوست پسر و دوست دختر داشتن جوانان مردم را میکشند. فردا در دادگاه عادلانه حکومت سوسیالیستی همه اینها را بعنوان جنایتکاران قتل عمد دولتی محاکمه خواهیم کرد. چرا باید فرزاد کمانگرا به اعدام محکوم شوند؟! هزاران جوان را بفرمان خمینی اعدام کردند اما دیگر آن قدرت را ندارند و مردم هم نمیگذارند.

مادر ۷۰ ساله عضو حزب کمونیست کارگری

سلام. داشتم اخبار را دنبال میکردم و دو مطلب را مربوط دیدم به این برنامه. تا زمانی که قوانین اسلامی در جامعه حاکم باشد آب خوش از گلوئی مردم پایین نخواهد رفت و برای تغییر این جامعه بربریت

لازمه اش این است که مردم دست بدست هم دهند و این رژیم کثیف و جنایتکار اسلامی را سرنگون کنند. من الان روی این سائیتی که هستم آیت اله جمعی، آیت اله سابق آبادان را میبینم. من آرزوی مرگ کسی را نمیکنم ولی در اتاق بیمارستان با دم و دستگاه پزشکی سعی میکنند که این پیرمرد خرفت جنایتکار را سالم کنند و دوباره به صحنه حکومت جنایتکاران باز گردانند. پاسدارانی مثل این فرمانده ارادان که تحت عنوان اینکه طرح امنیت اجتماعی را با قوت ادامه خواهد داد میگویند که گردن اوپاشان را خرد خواهیم کرد، منم میخواهم بگویم که، ببخشید این لغت را بکار میبرم... ارادان تو و جنایتکارانی امثال تو ۳۰ سال است که هیچ... بلکه هدف شما جوانان ایرانی است که با معتاد کرده اید و یا اعدام میکنید و یا فاحشه میکنید، و یک روزی این داستان تمام میشود و بزودی هم تمام میشود و بدانید که دیگر دوره قدرت این اعدام کردنها و امنیت برقرار کردنها بسر رسیده است و آگاهی و اتحاد مردم تنها ضامن سرنگونی شماس و... چرا که خودتان هم میدانید که مردم بزودی بساطتان را جمع میکنند.

زنی از ایران

سلام. بابا ما دردمون را به کی بگیریم. نیروهای انتظامی ساعت ۲ نصف شب میایند و در میزنند و بیدارمان میکنند و اساس خانواده مان را جمع میکنند و توی این سرما به افغانستان برمیگردانند!
یک مرد افغانی از ایران *

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.



یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

قاتلین مردم ایران را از مجامع بین المللی اخراج کنید! نفر در زندان اوین اعدام شدند!

باید باشد. مردم ایران در کارخانه و مدرسه، در دانشگاه و محله با حکومت جنایتکار اسلامی مبارزه میکنند و باید دنیا از این مبارزات دفاع کند. با منزوی کردن حکومت جنایت اسلامی باید به یاری مردم ایران شتافت.

ما از همگان دعوت میکنیم که برای اخراج سران حکومت اسلامی از مجامع بین المللی و برای دستگیری و محاکمه این جنایتکاران اقدام کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۴ ماه دسامبر ۲۰۰۸
تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

در هفته گذشته سازمان ملل، اتحادیه اروپا و تعداد زیادی از نهادهای مخالف اعدام، حکومت اسلامی را تقبیح کردند. علیرغم این اعتراضات حکومت وقیحانه ۹ نفر را کشت. و به اطلاعیه‌ها و محکوم کردن نهادهای بین المللی نیز وقعی نگذاشت.

کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام میکند که سران این حکومت را باید بجرم جنایت علیه بشریت، به دادگاههای بین المللی آورد و این حکومت را از مجامع بین المللی اخراج کرد. باید سفارتخانه‌های این جلاادان را در همه جا بست و اعلام کرد که جایان حاکم بر ایران جایشان در زندان و در دادگاههای بین المللی

این حکومت جلاادان و جانینان است. این حکومتی است که برای حکومت تروریستهای اسلامی است



ماندن و چاپیدن مردم، احتیاج به جوخه اعدام دارد و از هر فرصتی که از روز اول با ترور و قتل و جنایت سرپا مانده است.

امروز چهارشنبه ۲۴ ماه دسامبر، در زندان اوین تهران، ۹ نفر اعدام شدند. خانواده یکی از مقتولین در محل حاضر نشدند و فعلا یک نفر از اعدام نجات یافت. اما ۸ مرد و یک زن در زندان اوین سحرگاه امروز بیرحمانه اعدام شدند. ما اسامی هشت مرد اعدام شده را هنوز نداریم. زن ۲۸ ساله‌ای به اسم طیبه امروز جزو اعدام شدگان بود.

جمهوری اسلامی ایران فقط در طول یک ماه، ۲۸ نفر را اعدام کرد. یعنی هر روز یک نفر در ایران اعدام شده اند.

روزانه تعداد دیگری به اعدام و یا به قصاص چشم و دست و پا محکوم شده اند.

توطئه حکومتی علیه دانشجویان شیراز را شکست دهیم

مطالبات آنان خواست همه جوانان و مردم در ایران است و شایسته گرم ترین و قوی ترین حمایت‌ها هستند. باید نشان دهیم دانشجویان شیراز از حمایت گسترده و قدرتمندی از جانب همه دانشجویان و مردم برخوردار هستند و در صف قدرتمندی در مقابل حکومت اسلامی قرار دارند. مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی سازمان جوانان کمونیست

۲ دیماه ۸۷، ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸

دانشجویان را به دلیل انتفادشان به حکومت از تحصیل محروم کنند. سازمان جوانان کمونیست از دانشجویان دانشگاه شیراز حمایت می کند و از دانشجویان سراسر کشور نیز دعوت می کند با صدور بیانیه، برگزاری تریبون آزاد، شعار نویسی، تعطیلی کلاس‌ها و هر شکل و ابتکار دیگری که می توانند از آنان حمایت کنند و صف مبارزه علیه حکومت اسلامی را تقویت کنند. با حمایت گسترده از دانشجویان شیراز باید نشان بدیم

شدگان به کمیته انضباطی هستند. در روزهای اخیر به دلیل اعتراضات دانشجویان در این دانشگاه حکومت می خواهد فضای اعتراضی حاکم بر دانشگاه را سرکوب کند. دانشجویان از جمله به خامنه‌ای انتقادات شدیدالحنی داشته و اعلام کرده اند اگر به خاطر این انتقادات برخوردی با آنان صورت بگیرد شخص خامنه‌ای باید پاسخگو باشد. بسیج و کمیته انضباطی و حراست و نیروهای امنیتی با اعمال فشار بر دانشجویان قصد دارند تعداد زیادی از

معدنچی، اسماعیل جلیل وند، محسن زرین کمر، امین درستی، عبداله داودیان، اکبر حسن پور، سعید خسروآبادی، لقمان قدیری، آرمین برآزش، آلمانا رنجبر، همت جهانشاهی، احسان هاشمی روح اله قاسمی، دلیر بارخدا، کامران محمدی نسیم، دالوند، ندا اسکندری، محدثه محوی شیرازی، غاطمه آقایی، مجتبی شیرازی، شیخیان و تعداد دیگری از دانشجویان که در اطلاعیه‌های قبلی اسامی آنان را ذکر کرده ایم از احضار

طی روزهای بعد از ۱۶ آذر تا کنون ۳۵ نفر از دانشجویان شیراز به کمیته انضباطی احضار شده اند. این احضارها بعد از برگزاری روز دانشجو و اعتراضات پرشور دانشجویان این دانشگاه، با همکاری بسیج و حراست و نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران صورت می گیرد دانشجویان آرش روستائی و سعید خلعتبری، هادی الم لی، حمداله نامجو، کاظم رضایی، جلیل رضایی، یونس میرحسینی، افشین هوشنگ، اسماعیل

... دنیا بدون فراخوان

سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم به
چه منجلا بی بدل میشود!

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن‌ها یا ایمیل‌ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا

بایک بزدی (کانادا-آمریکا): تلفن: ۰۰۱-۴۱۶-۷۵۹-۳۳۹۶

۰۰۱-۴۱۶-۴۷۱-۷۱۳۸

ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور): تلفن: ۰۰۱-۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶

ایمیل: zariast@yahoo.ca

در اروپا با

انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۴۶-۰۷۳۳۹۳۹۱۷۰

ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۴۴۳۴

ایمیل: jalilul@yahoo.com

مهین کوشا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۷۰۵۴۹

ایمیل: mahinkusha@t-online.de

گارل مارکس



سرمایه

(کا پیتال)

تحلیل ماده‌ای

تولید کاپیتالیستی

خند اول

ترجمه جمشید هادیان

در حاشیه رویدادها

محمد رضا پویا



از کنفرانس برلین تا دانشگاه تهران و شیراز

اعتراضات دانشجویی در شانزده آذر برای سردبیر "پیک نت" وابسته به محفل "راه توده"، یاد آور تقابل کمونیستها و آزادیخواهان با رژیم اسلامی در کنفرانس برلین بوده است. از همینرو این مدافعین رژیم اسلامی با همان داستانهایی محیرالعقلی که در مورد کنفرانس برلین گفته بودند، دانشجویان چپ و انقلابی دانشگاه های سراسر کشور را بازی خوردگان دستگاه امنیتی رژیم اسلامی می خوانند. سایت مزبور بکرات حزب کمونیست کارگری ایران را بعنوان عامل اصلی بر هم زننده کنفرانس برلین معرفی کرده که بزمشان این عمل بدستور وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی صورت گرفته است. امروز تصاویر دانشجویان معترض در دانشگاه ها، صحنه های کنفرانس برلین را برای پادوهای حکومت اسلامی در پیک نت تداعی نموده است و لذا با همان زمختی تلاش میکنند با سناریو نویسی بمعترضین به حضور خاتمی در دانشگاه را "عوامل امنیتی" که ظاهر سوپر چپ و ضد اسلام دارند، معرفی کند. اما چرا طیف دوم خردادی در حاشیه حکومت همراه و هم زبان با کیهان شریعتمداری، مارکسیستها و شیخ سرخ را "عامل" اعتراضات گسترده دانشجویان قلمداد میکنند؟ چرا هر دو جناح رژیم تلاش میکنند با انتساب دانشجویان به جناح مقابل آنها را "کارگزار امنیتی" یا "وابسته به خارج" معرفی کنند که جاده صاف کن دشمن شده اند؟

علت اینکه هر دو جناح حکومتی مارکسیستها و چپ ها (بخوان حزب کمونیست کارگری) را مداخله گر در اعتراضات جامعه میدانند، فی الواقع به علت ترسی است که اینها از جنبش سرنگونی مردم و تداعی شدن آمل و آرزوهای جامعه ۷۰ میلیونی با افق و سیاستهای حزب کمونیست کارگری دارند. امروز وضعشان بگونه ای است که حتی برای پیشبرده جدال قدرت در درون نظام، نمیتوانند چشم خود را بر روی به رسمیت شناختن واقعیت جایگاه حزب کمونیست کارگری در راس مبارزه مردم ایران برای درهم کوبیدن کل حاکمیتشان ببندند. آنها میدانند مردم سالهاست فارغ از جنگ جناحها، تلاش میکنند کل نظام اسلامی را بزیور بکشند. نقش حزب کمونیست کارگری در این مبارزه را خوب میدانند. میدانند بیانییه ها و قطعنامه های دانشجویی امسال، کل قوانین اسلامی تحمیل شده بر جامعه را به چالش کشیده و خواهان برقراری قوانین پیشرو انسانی شده اند. از سردمداران رژیم تا پادوهای پیک نت "شیخ کمونیسم و لنین" بر فراز جامعه را مشاهده کرده اند. حزب کمونیست کارگری بعنوان نماد مبارزه علیه کلیت نظام اسلامی، بعنوان نماد ضدیت با مذهب اسلام، به عنوان نماینده صالح نه مردم ایران به تجسم متشکل شده و پیکر شیخ سرخ در جامعه تبدیل شده است. رژیم اسلامی میدانند که حزب کمونیست کارگری یک فاکتور غیر قابل انکار در تحولات سیاسی آتی ایران است. علت واقعی دشمنی هیستریک سایتهای امنیتی رژیم با حزب کمونیست کارگری ایران از اینجا ناشی میشود. در کنار این واقعیات عمومی صحنه سیاست، اعتراضات دانشجویان سراسر کشور در ۱۶ آذر امسال، بیانگر یک پیشروی عمومی در جنبش سرنگونی طلبی مردم و قدرتمند شدن قطب چپ جامعه ایران بوده است. این اعتراضات توازن قوای جدیدی را بین مردم و رژیم بنمایش گذاشت. ترس سران رژیم از رفتن به دانشگاه، از خامنه ای تا احمدی نژاد و خاتمی،

ترس و وحشت آنها از رودررویی با این دریای نفرت و اعتراض بود. دانشجویان با اعتراضات خود کل ماشین نظامی رژیم را به چالش کشیدند. این یک شکست بزرگ برای جمهوری اسلامی بود. این شکست تثبیت شده است. مردم در قدمهای بعدی سنگرهای جدیدی را تصرف خواهند کرد.

لنگه کفش اسلامی و دلخوری دوم خردادیهای پرو غرب!

در جریان نشست مطبوعاتی جورج بوش با نوری مالکی در بغداد، منتظرالزیدی خبرنگار عراقی کفش های خود را به سمت رئیس جمهوری آمریکا پرتاب کرد. جریانات اسلامی بلافاصله الزیدی را سمبل "مقاومت اسلام در برابر دشمن خارجی" معرفی کردند و او را ستودند. کیهان آن را انتفاضه کفش نامید. در کنار گروه های اسلامی، چپ های "ضد امپریالیسم" پرتاب لنگه کفش را مصداق مبارزه "اصیل" ضد امپریالیستی دانسته و به مهمترین واقعه سال برایشان تبدیل شد. خانواده الزیدی بلافاصله انتساب او به گروه های اسلامی را تکذیب کردند. ناسیونالیسم عرب میدان را برای ورود خود آزاد دید و لذا اعلام کردند که پرتاب کفش یک رسم عراقی-عربی است و الزیدی قهرمان عرب میباشد. اما واقعه پرتاب لنگه کفش و موضع دوم خردادی های ریزش کرده به دامان غرب به تصویر متناقض اینها در حکومت اسلامی، جان تازه ای داد. در حالیکه سران جناح راست حکومت، خبرنگار عراقی را "فرزند اسلام" خطاب میکردند، دوم خردادی ها پرتاب کفش به بوش را خلاف "دمکراسی" اسلامی خود و مغایر با آزادی بیان نامیدند. گفتند بی ادبی کرده است، رسم مهمان نوازی نیست، عرف بین المللی زیر پا گذاشته شده است. گفتند اگر این آزادی بیان است، باید جلوی آنرا گرفت. دوم خردادی ها می دانند که با "موضع اسلامی" حتی در همین رژیم اسلامی هم نمیتوانند به حیات دهها هزار تن را در آن مملکت به

جوخه اعدام نسپردند؟ چه اتفاقی افتاده که جانان حکومتی، اینچنین برای "تغییر" ماشین جنایت خود ساخته، به شرکایشان نهیب میزند و هشدار میدهند؟

جامعه قوانین اسلامی را نپذیرفته است. مردم هرگز اسلام را بعنوان یک پدیده قابل قبول، در زندگی اجتماعی خود هضم نکردند. بعدها؛ نسلی که در همین رژیم اسلامی بدنیا آمدند و در مدارس، همین قوانین خرافی و منحط شریعت را بعنوان مواد درسی فرا گرفتند، بر علیه کل بساط اسلامی سر به شورش گذاشتند. رژیم اسلامی نتوانست حتی "چهره اسلامی" به جامعه بدهد. جنگ و گریز پایان ناپذیر نسل جوان با ماموران حکومت در خیابانها علیرغم تمامی سرکوبها و مانورهای نظامی در شهرها، به نفع مردم پیش رفت. نتوانستند، به نتیجه نرسید. امروز کل آیت الله های قم از نماز نخواندن مردم شاکینند. از مذهب گریزی جوانان گلایه دارند. هشدار میدهند که مردم به شیوه غربیها زندگی میکنند. رفسنجانی به عنوان یکی از معماران و ایدئولوگهای رژیم اسلامی زودتر از مابقی شرکایش، انفجار بزرگ اجتماعی را در راه دیده است و لذا بفکر چاره افتاده است. تصور میکند که با پس زدن برخی قوانین اسلامی جامعه ساکت میشود. اما سخنان رفسنجانی وجه دومی هم دارد. ایشان دارد تلاش میکند طیفی از رژیم را با پلاتفرم "متفاوت تری حول انتخابات" آتی بسیج کند. این بیان عملی تلاش جناح "غریبگرای" رژیم برای بدست آوردن سکان هدایت حکومت است. این، پاسخ این جناح به سخنان هفته پیش خامنه ای است که با کنایه چهره هایی مانند خاتمی و رفسنجانی را شاه سلطان حسین خوانده بود. کر هماهنگ رفسنجانی-منتظری، اعلام حضور علنی طیفی از حکومت است که حمایت علنی تر غرب را طلب میکند. اینها دارند به جناح راست و دول غربی در مورد جنبش سرنگونی مردم هشدار میدهند*.

معماران رژیم خطر را جدی گرفته اند

رفسنجانی هفته پیش اعلام کرده است که دیگر نمی توان با قوانین هزار سال پیش شریعت جامعه را اداره نمود. همزمان با ایشان، منتظری در دیدار با جمعی از اعضای نهضت آزادی، ولایت مطلقه فقیه را "شک" اعلام میکند. چرا پس از سی سال معماران رژیم اسلامی به نفی پایه های رژیم خود رسیده اند؟ مگر همینها در دهه شصت بنام الله و حکومت شریعت و قوانین اسلام، دهها هزار تن را در آن مملکت به

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!